نسیم جنوب
www nasimjonoub COM
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۲۶ شنبه ۵ آذر ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

عباس عبدی:
اعتراضات اخیر کاملا قابل پیش‌بینی بود
علت اصلی حوادث اخیر
بی‌درایتی در سیاست رسمی است

چگونه به نگرانی جوانان باید پایان داد؟
صدف صمیمی

صد جام جهانی فدای رضایت ملت



پیروزی تیم ملی ایران
بر تیم ملی ولز
عکس از خبرگزاری ایرنا

تأثیر متقابل اعتراضات و رکود تورمی
دکتر زهرا کریمی

معاون دانشگاه علوم پزشکی بوشهر:
ایجاد پایگاه سنجش سلامت باید اولویت صنایع مستقر در عسلویه قرار گیرد

چرا ایران مثل قطر امکان قرارداد بزرگ گازی ندارد؟

معاون دانشگاه علوم پزشکی بوشهر:

ایجاد پایگاه سنجش سلامت باید اولویت صنایع مستقر در عسلویه قرار گیرد

معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: صنایع مستقر در عسلویه باید مسئولیت اجتماعی خود را بسیار فراتر از آن چیزی ببینند که امروز انجام می‌دهند و ایجاد پایگاه پایش سلامت را در اولویت خود قرار دهند.

به گزارش خبرنگار ایرنا، اکرم فرهادی در جمع خبرنگاران در باره تاثیر آلاینده‌های صنایع نفت و گاز بر سلامت مردم جنوب استان بوشهر، اظهار کرد: اهمیت و نقش آلاینده‌های صنعتی بر سلامت مردم موضوعی نیست که دانشگاه علوم پزشکی، سازمان محیط زیست و صنعت بتوانند آن را انکار کنند چرا که مطالعات متعدد و معتبر جهانی آن را به اثبات رسانده است اما مطالعات روی عسلویه در سطح اولیه است.

وی افزود: بیست سال است که صنایع به طور فراگیر و گسترده در عسلویه مستقر شده‌اند و در چند سال اخیر اعضای هیات علمی مرکز تحقیقات بهداشت محیط زیستی و انرژی مطالعاتی را در زمینه‌های بند ناف و شیر مادر ساکنان شهرستان عسلویه انجام داده‌اند.

فرهادی اذعان کرد: هنگامی که در قالب تحقیق و پژوهش سخنی مطرح می‌شود دقت و اهمیت آن بسیار مهم است و از آنجا که مطالعات انجام شده هنوز در مرحله مطالعات اولیه است، دانشگاه علوم پزشکی از اعلام فراگیر نتایج آنها خودداری کرده است چرا که اظهار نظر قطعی نیازمند مطالعات جمعیتی حجم وسیعتر و روش‌های جدیدتر است که به طور حتم انجام خواهد شد.

معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بیان کرد: پیش از تاسیس و بهره برداری از صنایع در این منطقه باید ایستگاه پایش سلامت ایجاد می‌شد که نشده است و هر چند با تاخیری بیست ساله اما اکنون باید انجام شود چرا که این ایستگاه می‌توانست برای ارائه نتایج قوی‌تر و قابل بیان داده‌های ارزشمندی در اختیار محققان بگذارد.

وی با تاکید بر اینکه رسانه‌ها باید به طور مکرر این تقاضا را از صنایع داشته باشند، اظهار کرد: صنعتی که در یک منطقه مستقر می‌شود برای پایداری خودش باید مراقب ساکنان پیرامونی باشد و راهی جز این ندارد که پیوست سلامت خود را اجرا و پایش مستمر سلامت مردم را انجام دهد.

رئیس پلیس فتا استان بوشهر خبر داد:

کلاهبرداری به اسم اغتشاشات در بوشهر!

ایسنا/بوشهر رئیس پلیس فتا استان بوشهر با اشاره به کلاهبرداری جدید به اسم اغتشاشات گفت: پیامک ارسالی ردیابی سریال گوشی شما به شهروندان این استان جعلی است.

سرهنگ مهدی قاسمی اظهار کرد: به‌تازگی برای برخی از مردم پیامکی با متن «ردیابیسریال گوشی شما» ارسال شده است که این پیامک‌ها کلاهبرداری است و به محض ورود به لینک، از حساب بانکی شما پول برداشت می‌کنند.

وی اضافه کرد: اگر همچین پیامکی دریافت کردید هرگز لینک موجود در پیامک را باز نکنید زیرا این لینک جعلی است و کلاهبرداران حسابتان را خالی میکنند. رئیس پلیس فتا استان بوشهر تصریح کرد: احتمال نقض حریم خصوصی شما و سرقت و یا سوء استفاده از محتوای موجود بر روی گوشی تلفن همراهتان در صورت کلیک بر روی لینک موجود که یک بدافزار بوده، ممکن است.

معلم و درخت

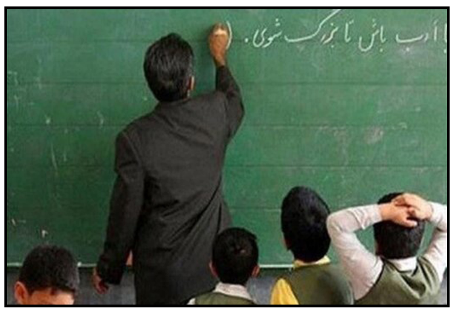
عبدالخالق ماجدی

آخرین جمعه بارانی آبان ۱۴۰۱ کنار آرامگاه شادروان داریوش پوربهی ایستاده بودم که پسرم محمدطاها پرسید: بابا کیه؟!

گفتم: این آقا یکی از معلم های قدیمی بوشهر است. بهانه حضور بر سر آرامگاه مرحوم داریوش پوربهی، شرکت در مراسم خاکسپاری یکی از بستگان، مرحوم آقای هوشنگ دهباشی، معلم بازنشسته مدارس بوشهر بود.

در ساختار و بایگانی روانی تمام دانش آموزان، موضوعی بنام "معلم" حضوری ثابت دارد و بالعکس !

رونالد فیربرن یکی از مشهورترین روانکاوان "روابط موضوعی" تاکید داشت که انسان در روابطش با دیگران، با دوپاره سازی بخشهای بد و خوب روابطش، فقط موضوعات بد را درونی سازی می کند و این موضوعات بد بخشی از ساختار ایگو؛ دومین لایه ساختاری روانی انسان، می باشند.



اوج دیدگاه فیربرن در اینجاست که می گفت وقتی انسان روابطش را دوپاره می کند با درون فکنی بخش بد روابط خود با دیگری و از طرفی با حفظ و ادامه ارتباطش با بخشهای خوب که بیرونی می ماند به نوعی محیط زندگی اش را پاکسازی/ تطهیر/ خوب می کند.

در حالی که در جوار آرامگاه داریوش پوربهی ایستاده بودم و خاطرات مختلفی را در درون ذهنم مرور می کردم به یاد نظریه "روابط موضوعی" فیربرن افتادم که معلم های ما چگونه نواقص و بدی های دانش آموزانشان را درونی می کردند و به حفظ و ادامه رابطه با بخشهای خوب دانش آموزان ادامه می دادند و با فرو بردن بدی ها در درون، به چه نحوی خودشان را دچار تنش و عصبانیت می کردند.

معلم اگر نسبت به دانش آموز بی تفاوت باشد بدی های او درونی نمی کند و به عبارتی برایش بی اهمیت است که دانش آموزش درس می خواند یا نمی خواند و خودش را اذیت نمی کند. سوال این است که چرا معلم عصبانی می شود؟ معلم با درونی سازی/ درون فکنی بدی دانش آموز چون نمی تواند این بدی را تحمل کند دست به سرکوب این تنش و نقص می زند.

در مراسم خاکسپاری مرحوم هوشنگ دهباشی دانش آموزان قدیمی زیادی شرکت داشتند که در طول دوران خدمتش، او نواقص و اشتباهات آنها را درونی کرده بود و این شرکت کنندگان در واقع بخشی از ظرفیت/ حجم ساختار روانی او بودند.

در زمان همدردی و عرض تسلیت به همسر مرحوم دهباشی، پورفسور ایرج نبی پور هم حضور داشتند و خدمتشان عرض کردم که معلم و استاد یک "درخت همیشه سبز" می باشد و یادش در اذهان دانش آموزان و دانشجویان فراموش نخواهد شد. درخت دی اکسید کربن موجود در هوا را می بلعد و اکسیژن آزاد می کند و به همین خاطر است که در کنار درختان نسیم خنکی را حس می کنیم.

کنار آرامگاه هر معلمی که می ایستیم نسیم خنکی از خاطرات، صورت هایمان را نوازش می کند.

۸۱۲ نفر از یک هزار و ٥٤٦ دانش آموزان بازمانده از تحصیل استان بوشهر، راهی کلاس درس شدند

سرپرست معاونت آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: از ۲ هزار و ۵۸۰دانش آموز بازمانده از تحصیل این استان ۸۱۲ نفر جذب کلاس‌های درس شده اند.

علی اکبر بازیار در گفت و گو با ایرنا افزود: از این جمعیت دانش آموز بازمانده از تحصیل در استان بوشهر یک هزار و ۵۴۶ دانش آموز در مقطع ابتدایی هستند که زمینه جذب ۷۲۵ نفر آنها فراهم شده است.

وی بیان کرد: همچنین ۶۵۱ نفر از دانش آموزان استان بوشهر نیز در مقطع متوسطه اول بازمانده از تحصیل هستند که تاکنون زمینه بازگشت به تحصیل ۸۳ نفر از آنان فراهم شده است.

سرپرست معاونت آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر یادآورشد: اما از ۳۸۳ نفر دانش آموز بازمانده از تحصیل متوسطه دوم تنها چهار نفر از آنان جذب کلاس های درس و مدرسه شده اند.

وی اظهارداشت: ناتوانی خانواده از پرداخت هزینه تحصیل، بیماری دانش آموزان، ضعف تحصیلی، تکرار پایه، ازدواج دانش آموزان (پایه متوسطه دوم) در حین تحصیل از جمله دلایل بازماندن از تحصیل تعدادی از دانش آموزان به شمار می‌رود.

بازیار پوشش تحصیلی متوسطه اول استان بوشهر را ۹۴ و متوسطه دوم را ۸۹ درصد اعلام کرد.

سرپرست معاونت آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر در خصوص کنکور سال ۱۴۰۰– ۱۴۰۱ افزود: براساس بررسی های انجام شده امسال ۲هزار و ۵۰۰ نفر از دانش آموزان این استان در رشته‌های پزشکی، پیراپزشکی و مهندسی پذیرش شده اند.

بازیار اضافه کرد: ۱۶۵ دانش آموز این استان در کنکور سراسری ۱۴۰۰– ۱۴۰۱ موفق به کسب رتبه سه رقمی زیر هزار شده اند که نسبت به ۲۰۲ نفر سال گذشته کاهش نشان می‌دهد.

به گفته بازیار شیوع ویروس کرونا و مجازی برگزار شدن کلاس‌های درس و کنکور باعث شد بسیاری از کلاس‌ها و برنامه‌های مربوط به کنکور برگزار نشود.

وی ادامه داد: با برنامه ریزی انجام شده و با همکاری ستاد اجرایی فرمان امام راحل و مدیریت پروژه های عمرانی مناطق نفت خیر تلاش می‌شود کلاس‌های آموزشی و آزمون‌های لازم مشابه نهایی برای دانش آموزن مناطق محروم برگزار شود.

بازیار گفت: در سال جاری براساس سیاست‌های دولت سهم نرخ پوشش تحصیلی دانش آموزان استان بوشهر با یک درصد افزایش از ۳۸ به ۳۹ درصد افزایش یافته و امروز ۶۰۰ دانش آموزان در رشته های مختلف فنی و حرفه ای در استان مشغول به تحصیل هستند.

وی یادآور شد: در راستای تقویت تجهیزات هنرستانی امسال ۹۰ میلیارد ریال اعتبار در هنرستان‌های استان بوشهر هزینه شده است.

ورود سه هزار طلبه به مدارس

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش از ورود سه هزار طلبه به مدارس خبر داد و گفت: «حضور روحانیون متخصص در امر تربیت کودک و نوجوان در میان دانش‌آموزان برای پاسخگویی به این نیاز اساسی است تا با ایجاد فرصت گفت‌وگوی چهره به چهره، هویت دینی دانش‌آموزان تقویت شود.»

حمید نیکزاد، به ایسنا گفت:«اکنون حدود ۳۰۰۰ طلبه موفق به ورود به مدارس به عنوان معلم در نقاط حاشیه‌ای شهرها و مناطق کم‌برخوردار شده‌اند.» او با اعلام این که انگیزه طلاب برای ورود به آموزش و پرورش افزایش یافته است، گفت: «در سال‌های گذشته یکی از غفلت‌هایی که با وجود تاکیدات سند تحول بنیادین صورت گرفته ناظر به اجرای تمام‌ساحتی فعالیت‌های یادگیری و بسنده کردن به آموزش محوری است؛ از این رو ضعف در سواد دینی و اعتقادی به حدی رسیده است که حتی برخی دانش‌آموزان در ابتدائیات و ضروریات دین سوال و ابهام اساسی دارند.»

متناسب‌سازی عقب‌نشینی نیست

علی ربیعی، سخنگوی دولت روحانی، در یادداشتی در روزنامه اطلاعات نوشت: «امروز دیگر به تحقیقات علمی، دانشگاهی، نظرسنجی و تحلیل اجتماعی برای دریافت این موضوع نیازی نیست. واقعیت عریان شده تغییرات نسلی و ارزش‌ها در کف خیابان‌ها به خوبی قابل مشاهده است. متناسب کردن سیاست‌های اجتماعی- فرهنگی با تغییرات ارزشی نه‌تنها عقب‌نشینی نیست بلکه حرکتی رو به جلو به شمار می‌رود. جامعه برای زایش‌های نوآورانه و خلاقیت، نیاز به همه ایرانیان فهیم دارد. باید در به‌کارگیری همه دیدگاه‌ها و گرایش‌ها تجدیدنظر کرد. اما در سمت دیگر، ما با جامعه‌ای ناآرام بدون واسطه، که خود این وضعیت معلول سیاست‌های نادرست میانجی‌زدا در گذشته می‌باشد، روبه‌رو هستیم.»

چرا کسی به ایران نمی‌آید؟

سپهر هاشم‌زاده، فعال گردشگری در یادداشتی در خبرآنلاین نوشت: «در روزهایی که بسیاری از کشورها دنبال جذب گردشگر هستند، اما گردشگر زیادی به ایران سفر نمی‌کند. این روزها که ایران نتوانسته حتی درصد کوچکی از سهم گردشگری جام‌جهانی قطر را نصیب خود کند، این پرسش مطرح می‌شود که چرا اساسا ایران نمی‌تواند از ظرفیت گردشگران و مسافران خارجی که به ایران می‌آیند، استفاده کند و چرا سهم بازار ایران کم است؟

چند دلیل خیلی ساده دارد؛ در گردشگری چند واژه مثل امنیت و حس امنیت داریم که ایران نتوانسته حس‌امنیت را برای گردشگر خارجی ایجاد کند. با این که در ایران خطر جدی‌ای گردشگران را تهدید نمی‌کند اما ایران نتوانسته حس امنیت را القا کند.» او ادامه داده است: «درواقع ما طی ۶۰-۵۰سال گذشته، در این حوزه کار تبلیغاتی نکرده‌ایم. موضوع بعدی تمرکز بی‌جایی است که روی گردشگری تاریخی کردیم؛ یعنی اگر گردشگری را یک کیک در نظر بگیریم، سهم کوچکی از گردشگران دنیا تاریخ را دوست دارند. به دلیل آزاد نبودن گردشگران در کشور، سهم زیادی از بازار در دیگر حوزه‌های گردشگری را از دست داده‌ایم.»

اکران در سینما آوینی بوشهر آغاز شد

معاون هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: با اخذ مجوزهای لازم، اکران فیلم در سینما شهید آوینی بوشهر آغاز شد و در نخستین اکران، انیمیشن "پسر دلفینی" به روی پرده رفت.

چگونه به نگرانی جوانان باید پایان داد؟

صدف صمیمی

در علم اقتصاد از «موجودی سرمایه» که لازمه رشد اقتصادی پایدار است، زیاد سخن گفته می‌شود. به مجموع کالاهای سرمایه‌ای فیزیکی کشور که در فرآیند تولید کالا و خدمات نقش دارند، موجودی سرمایه گفته می‌شود. در واقع، موجودی سرمایه را می‌توان مجموع ارزش ساختمان و تاسیسات و ماشین‌آلات و تجهیزاتی دانست که در فرآیند تولید نقش داشته و مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین پایداری و ثبات یک کشور و تداوم رشد اقتصادی آن، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های جدید و خروج تجهیزات فرسوده از چرخه اقتصادی است. کشوری که مستهلک شدن موجودی سرمایه‌اش، سرعت بیشتری از سرمایه‌گذاری‌های جدید دارد، به سوی فقر بیشتر گام بر می‌دارد.

در دنیای کسب‌وکار، داشتن نیروی انسانی توانمند، یکی از بزرگترین مزیت‌ها محسوب می‌شود. سرمایه انسانی فقط برای شخص و شرکتی که در آن کار می‌کند، سودمند نیست، بلکه کشورها نیز از این متاع به سود خود خواهند رسید. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش سالانه خود درباره سرمایه انسانی می‌گوید که نیروی کار خلاق و مولد بیشتر از هر منبع دیگری به موفقیت اقتصادی بلندمدت یک کشور کمک می‌کند.

سوختن سرمایه انسانی

جوانان سرمایه‌های اصلی کشور ما هستند که می‌توانند برای سال‌های طولانی سوخت مناسب برای اداره کشور را فراهم کنند. در اعتراض‌های اخیر بخش قابل توجهی از ارزشمندترین سرمایه‌های کشور به اشکال مختلف درگیر اعتراض‌های اجتماعی شده‌اند. بخشی از جوانان به وضع موجود اعتراض دارند، بخشی از آنها مدافع وضع موجود هستند و بخش بزرگی هم آینده را مبهم و نگران‌کننده می‌بینند. این وضعیت برای همه طیف‌ها نگران‌کننده است و همه بابت آن هزینه سنگینی می‌پردازند.



مسعود نیلی اخیرا به تجارت فردا گفته: «اکنون موقعیتی است که تکلیف سرمایه اصلی کشور ما که جوانان هستند معلوم خواهد شد. یا این سرمایه کلاً از بین می‌رود؛ (چون به نظر من اکنون شرایط صفر و یکی است) و نابود شدن آن به این معناست که مهاجرت خواهد کرد یا عده زیادی به افسردگی دچار می‌شوند. روی دیگری هم وجود دارد و آن این است که آن سرمایه به نشاط و شکوفایی درمی‌آید. به نظر من نرسیدن به مجموعه‌ای از مسائل منجر به آن شده که بزرگ‌ترین سرمایه ما در معرض خطر قرار گیرد.» در شرایطی که عده‌ای نگران تاثیر این وقایع بر آینده جوانان هستند، تیتری در رسانه‌ها با این عنوان منتشر می‌شود «طرح مجلس برای دانشجویان هنجارشکن». به گفته ایسنا، ماجرا از این قرار است: «برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی تهیه کرده‌اند که در آن مجازات‌هایی برای دانشجویان هنجارشکن از جمله ۱۰ سال ممنوع‌الخروجی و جریمه‌های نقدی پیش‌بینی شده است.» سوال آن است که آیا سیاستمداران بعد از گذشت این مدت و تماشای خشم و ناراحتی جوانان گوش و چشم بر مطالبات آنان بسته و به این نتیجه رسیده‌اند که باید به جای پاسخ گویی، آنها را تنبیه کرد؟ آیا این تصمیم به مثابه تنبیه آینده نیست؟

از سوی دیگر همان‌طور که گفته شد بخشی از جوانان موافق وضع موجود هستند و خود را مقابل جوانان معترض می‌بینند. رصد اخبار دانشگاه‌ها در این مدت صف‌کشی این دو گروه مقابل یکدیگر را نمایان کرده است. حالا سوال دیگری پیش می‌آید؛ چنین تقابل‌هایی میان یک نسل که باید آینده کشور را باهم رقم بزنند چه پیامدهایی در پی خواهد داشت؟

از نظر اقتصاددانان آینده هر کشوری بستگی به فراهم آمدن شرایط شکوفایی جوانانش دارد. نیلی در این مورد می‌گوید:«یا نظام تصمیم‌گیری ما این موضوع را درک می‌کند یا درک نکرده، کلیشه‌ای برخورد می‌کند و تصمیم می‌گیرد که مانند گذشته با آنها برخورد کند. ممکن است البته به نتیجه هم برسد ولی این نتیجه کوتاه‌مدت خواهد بود. ما در نقطه‌ای قرار گرفته‌ایم که تکلیف قیمتی‌ترین سرمایه ما در آن روشن خواهد شد.»

در همین حال محمد مهدی بهکیش نیز گفته: «محاسبه ریسک‌پذیری جوانان معترض بسیار مشکل و چندبعدی است و دیده‌ایم که به‌راحتی جان خود را فدا می‌کنند، همان‌گونه که بسیاری در سال‌های قبل یا بعد از انقلاب چنین کردند. نگذاریم قهر تبدیل به مبارزه قهرآمیز شود.» به عقیده بهکیش «در جامعه‌ای که فقر با توزیع نامناسب ثروت و درآمد و فساد همراه شود و امید به بهبود را از جامعه بگیرد، مبارزه قهرآمیز ریشه می‌دواند و دلباختگی به ایدئولوژی‌های مبارزه‌طلب و عموماً ویرانگر را به اقبال می‌آورد. این‌گونه گرایش‌ها زمانی که دریچه‌های تخلیه مسدود است و راه برای ابراز اعتراض‌های مسالمت‌آمیز بسته می‌ماند، به‌سرعت تبدیل به تخلیه روانی-عصبی می‌شود.»

برای نجات سرمایه انسانی چه باید کرد؟

منبع: تجارت فردا

آزادی ، گفت‌وگو

امید جهانشاهی

یکی از موضوع‌هایی که در تحلیل حوادث هفته‌های اخیر مورد توجه قرار گرفت مساله تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های نسل دهه هفتادی و هشتادی است.

پژوهش‌های متعدد اثبات کرده‌اند رشد شهرنشینی، توسعه اقتصادی و تحولات فناوری، مجموعه منسجمی از تغییرات قابل پیش‌بینی در ارزش‌ها و نگرش‌های جمعی را به همراه می‌آورد. لذا این تغییر امری طبیعی است که باید آن را شناخت و در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در محاسبه آورد.

هیچ چیز طبیعی تر از این نیست که در گذر نسل‌ها و در طی تحولات در ساختارها و نسبت‌ها و روابط، نگاه‌ها و قضاوت‌ها و نگرش‌ها و نظام‌های ارزشی هم از تحول مصون نمی‌ماند و متناسب با آنها تغییر می‌کند.

رونالد اینگلهارت و همکارانش پس از پژوهش های متعدد درباره توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و تغییرات فرهنگی که به سفارش سازمان ملل در کشورهای مختلف جهان انجام داده است تصریح می‌کند: «تغییر فرهنگی یک فرایند کاملاً منطقی است. در واقع نوعی تکامل منطقی در پس تغییر فرهنگی نهفته است که افراد را وادار به پذیرش ارزش‌هایی می‌کند که با شرایط موقعیت‌های جدید آنها تناسب دارند.»

واقعیت این است که کشور ما نیز نیازمند تغییر رویه‌ها در مدیریت‌های فرهنگی و اصلاح سیاست‌گذاری‌های فرهنگی است چراکه جامعه ما نیز دچار تحولاتی در دهه‌های اخیر شده است. زمانی نظام خبری و اطلاع رسانی و منابع سرگرمی در اختیار رسانه‌های رسمی بود و مردم زیر چتر یک‌پارچه‌ساز و یک‌دست دو شبکه تلویزیونی و چند روزنامه بودند و در کنار آنها سینمایی که محدود بود و ویدیویی که ممنوع.

حالا اما نظام ارتباطی کاملاً دگرگون شده است. نظام خبری دیگر در اختیار رسانه‌های رسمی نیست و اخبار با منابع رسمی و غیررسمی، داخلی و خارجی، در انوع رسانه‌های اجتماعی و نرم افزارهای موبایلی دردست‌رس است. منابع سرگرمی هم از کنترل رسانه‌های رسمی خارج شده است.

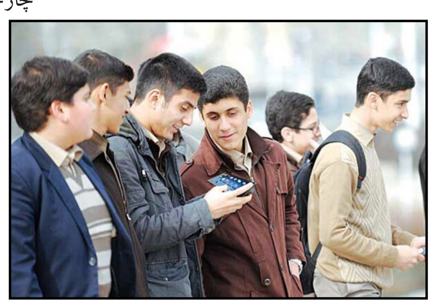
نسل امروز به منابع و رسانه‌هایی دسترسی دارد که خارج از گفتمان فرهنگی نظام مستقر، تولید و تکثیر می‌شوند که البته همه آنها هم الزاماً مربوط به خارج از کشور نیستند بلکه کاملاً داخلی‌اند، اما خارج از گفتمان مورد تایید نظام مستقر قرار دارند. مثل برخی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های شبکه نمایش خانگی و یا حتی این که خانم بازیگر و یا مجری را که در سریال و برنامه تلویزیونی با مقنعه مشکی و چادر است در جلد مجلات با ظاهری کاملاً متضاد و متفاوت می‌بینیم.

به هرحال تغییر نظام ارتباطی باعث تغییر جدی در نظام ارزشی و نگرش‌های نسل دهه هفتادی وهشتادی در قیاس با نسل دهه پنجاه و شصت شده است. چون مراجع خبری که تغییر می کنند، دیدگاه های سیاسی هم تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

واقعیت این است که رسانه هایی که سرگرم می‌کنند سبک زندگی را هم تغییر می‌دهند. به تعبیر زیمل، فیلسوف آلمانی، گسترش پیوندهای ارتباطی بین گروه های اجتماعی باعث رشد فردگرایی و استقلال خواهی فردی می‌شود.

نمی‌توان فعالیت میلیونی مردم را در اینستاگرام شاهد بود اما تاثیرات آن را در تغییر سبک زندگی نادیده گرفت. رسانه های اجتماعی باعث رشد «ابراز وجود» می‌شوند. پژوهش‌ها اثبات کرده است سطوح بالای فردگرایی با سطوح بالای استقلال خواهی و سطوح بالای ارزش های ابراز وجود هماهنگ است.

بارها با افتخار اعلام شده است که بعد از انقلاب شاهد رشد چشم‌گیر تعداد دانشگاه ها و جمعیت دانشجویی کشور بوده‌ایم و تحصیلات عالیه دختران به طور انفجاری و بی‌سابقه به برکت انقلاب افزایش یافته است.



حال سوال اینجاست که تبعات فرهنگی و اثرات این تحول مبارک بر نظام ارزشی جامعه چیست و آیا نباید رویکردها و سیاست‌گذاری های فرهنگی هم تغییر بکند.

نمی‌توان به توسعه شهرها و رشد شهرنشینی و رشد تحصیلات دانشگاهی جامعه افتخار کرد اما تبعات آن را بر رشد فردگرایی، ارزش های ابراز وجود، استقلال خواهی، مطالبه گری و خصایص شهروندی را نادیده گرفت.

با توسعه شهرها و رسانه‌ها، تعاملات و روابط انسانی توسعه می‌یابد و کنش‌های فردی و جمعی ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کنند.

اگر در گذشته هنجارها و چارچوب‌های جا افتاده تعیین کننده روابط و مشروعیت‌بخش کنش‌ها بودند، با توسعه شهرنشینی و ارتباطات شبکه‌ای، روابط انتخابی و مبادلات منفعت محور علیه هنجارهای غالب گذشته گسترش می یابند و مناسبات قدرتی تازه ای در معادلات اجتماعی شکل می گیرد که مبتنی بر ماهیت قدرت شبکه و امکان مقاومت شهروندی است که دیگر نه با تاکید بر تکلیف مداری که بر اساس حق مداری و مطالبه گری تعریف می شود.

این مساله ای منحصر به کشورهایی مثل ایران هم نیست. پژوهش‌ها نشان داده با رشد ارزش های ابراز وجود، حتی دموکراسی‌های قدیمی و جا افتاده هم به ترجیحات توده‌ها پاسخگوتر می‌شوند و سیاست کمتر به بازی محدود نخبگان بی توجه به توده ها مبدل می شود. و این فرایندی کاملاً طبیعی است.

این طبیعی بودن البته به معنای بی خطر بودن نیست. حکایت سیل است که امری طبیعی است اما اگر برای مقابله به سرنیزه و سیم خاردار تکیه شود، تبدیل می شود به امری ویرانگر که همه شهر را زیر و رو می کند و با خود می برد. اما اگر کار را به اهلش سپرد با مطالعه تاریخ سیلاب ها و مسیل ها، و ساخت آبراه های تازه و بازسازی مسیل های گذشته می توان سیل را مهار کرد.

علمای علوم اجتماعی کارشناسان مساله تغییر ارزش ها و نگرش ها هستند. آن چه علوم اجتماعی را توانمند می کند آزادی است و منظور از آزادی یعنی امکان بیان صریح یافته های علمی و امکان مشارکت فعالانه و بدون ترس در گفتگوی جمعی برای تفسیر تحولات اجتماعی است.

هزینه دار کردن بیان صریح عقیده و دشواری گفتگوی واقعی و ثمربخش نتیجه غلبه نگاه امنیتی است.

برخورد امنیتی با ناامنی و اغتشاش و عوامل بیگانه البته ضروری و بدیهی است اما غلبه نگاه امنیتی در توصیف مساله و نحوه مواجهه با آن قطعاً نادرست است.

هرچیزی باید کارکرد خودش را داشته باشد. درک و شناخت مسائل جامعه ایران کارکرد علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی با گفتگو و آزدی کار می کند.

جمله ای است منسوب به لائوتسه فیلسوف چینی که می گوید: «شناخت دیگران فضیلت است و شناخت خود بیداری است.»

با آزادی و گفت‌وگو بیدار می‌شویم.

عصر ایران

درآمد ۳۰۰ میلیاردی تیم ملی ایران از جام جهانی

تیم ملی ایران از جام جهانی ۲۰۲۲ مبلغی بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان درآمد کسب کرده است.

به گزارش خبرگزاری برنا، یک شبکه قطری اعلام کرد قهرمان جام جهانی ۲۰۲۲ مبلغ ۴۲ میلیون دلار و نایب قهرمان ۳۲ میلیون دلار پاداش می گیرد. تیم های سوم و چهارم جام جهانی قطر هم به ترتیب ۲۷ میلیون دلار و ۲۵ میلیون دلار پاداش دریافت می کنند.

دیگر تیم‌های شرکت کننده هم به ترتیب زیر جوایز خود را دریافت می‌کنند:

تیم های پنجم تا هشتم مبلغ ۱۷ میلیون دلار

تیم های نهم تا شانزدهم ۱۳ میلیون دلار

تیم های هفدهم تا سی و دوم ۹ میلیون دلار

به این ترتیب ایران از این جام ۹ میلیون دلار (چیزی در حدود ۳۳۰ میلیارد دلار) دریافت خواهد کرد.

محسن بیات در گفت‌وگو با برنا

میانگین سنی بازیکنان ایران بالا بود فوتبال در دنیا رشد کرده است

بیات نظرات خود درباره جام فعلی، شرایط ایران و مدعیان قهرمانی در قطر را بیان کرد.

محسن بیات، بازیکن اسبق تیم صباباتری و پدیده درباره مدعیان قهرمانی جام جهانی فعلی به خبرنگار گروه ورزشی خبرگزاری برنا گفت: به نظرم فرانسه و برزیل مدعیان اصلی هستند و با توجه به بازی‌هایی که از این دو تیم دیدم، بهتر از بقیه کار کرده‌اند. هرچه بیشتر در جام پیش می‌رویم و به طور کلی هرچه زمان می‌گذرد شاهد پیشرفت بیشتری از لحاظ علمی هستیم. بازی‌ها نزدیک‌تر شده و انرژی خاصی بر تیم‌ها حاکم است. تیم‌ها بازی به بازی پیش می‌روند. همان‌طور که گفتم فوتبال رشد کرده و با این رشد فاصله‌ها کم شده است. به همین دلیل هم شاهد نتایجی با اختلاف چند گل نیستیم.

وی افزود: قطر میزبانی بود که به نظرم بسیار زود حذف شد. حس می کردم با توجه به هزینه‌های انجام شده توسط آن‌ها، دیرتر از جام کنار بروند اما نشد و قطری‌ها همان ابتدا در مرحله گروهی حذف شدند. انتظارم بیشتر بود.

بیات با انتقاد نسبت به انتخاب کی‌روش به عنوان سرمربی تیم ملی گفت: نسبت به مسوولین انتقاد دارم. کسانی که تصمیم گیرنده هستند نمی‌توانند هماهنگی و تعادل خوبی ایجاد کنند. اگر من مسوول بودم کی‌روش را انتخاب نمی‌کردم و می گذاشتم اسکوچیچ به کارش ادامه دهد. حس می کنم ایران می‌توانست از گروهش صعود کند و برخی تصمیم‌ها اشتباه بود.

پیشکسوت فوتبال درباره مشکل اصلی تیم ملی اظهار داشت: از نظر میانگین سنی تیم ما مشکل داشت و میانگین سنی بازیکنان بالا بود. ترکیبی که تیم ملی با آن به زمین می‌رفت با ترکیب اسکوچیچ تفاوت داشت. سن تیم بالا رفته بود و به نظرم اگر به همان اسکوچیچ اعتماد می‌شد نتایج بهتر بود.

بیات درباره احتمال حضور مربی ایرانی روی نیمکت تیم ملی گفت: خودم خیلی دوست دارم مربیان ایرانی بیشتر کار کنند اما هیچگاه این اتفاق نمی افتد. دلیلش هم عدم کارایی مربیان ایرانی روی نیمکت است. هیچکدام از مربیان بومی روی نیمکت تیم ملی خوش ندرخشیده‌اند و امتحان‌شان را به خوبی پس نداده‌اند. به نظرم اگر از مربیان بزرگ با دانش روز استفاده کنیم نتیجه بهتری می گیریم.

ایران ۲- ولز صفر/

برد شیرین در جام جهانی از ۱۰ منظر



امیر حسن خدیر: پیروزی تیم ملی فوتبال ایران بر ولز در دومین بازی جام جهانی قطر (با دو گل) پس از باخت سنگین به انگلستان در بازی قبل را از ۱۰ منظر می‌توان تحلیل کرد:

۱. تفاوت های کارلوس کی‌روش بار دیگر به رخ کشیده شد و حامیان و مدافعان سر خود را همچنان بالا می گیرند و منتقدان احتیاط می کنند چرا که نقش اصلی را در این برد او ایفا کرد. بیشتر به این خاطر که تیمی در هم شکسته به لحاظ روحی را طی ۴ روز احیا و فشارهای بیرونی را مدیریت کرد. یک لحظه خودمان را جای او بگذاریم که هم باید پاسخ‌گوی نهادهای رسمی باشد و هم سخنی نگوید که از چشم مردم بیفتد و هم در عین حال تیم را به لحاظ فنی و روحی مدیریت کند و از عهده همه این کارها برآمد.

۲. دو گل را کدام بازیکنان به ثمر رساندند؟ روزبه چشمی و رامین رضاییان. هر دو را دراگان اسکوچیچ کنار گذاشته بود و با بازگشت کی‌روش دوباره به تیم ملی پیوستند. این نکته هم قابل توجه کسانی که بعد از باخت ۳۰ آبان مقابل انگلستان دل‌شان برای مربی سابق تنگ شده بود و می گفتند آه او ما را گرفته و در حق او جفا شده است! انتقاد از روزبه چشمی در بازی قبل این تصور را ایجاد کرده بود که کنار گذاشته می‌شود. در این بازی اما به عنوان یار تعویضی به میدان آمد منتها در جای درست قرار گرفت و انگار می گفت به چه زبانی باید بگویم جای من دفاع نیست؟!

۳. از دو تدبیر فیفا در به کارگیری کمک داور ویدیویی (که به اخراج دروازه‌بان حریف انجامید و بعد از آن تیم ولز فروپاشید) و محاسبه وقت‌های اضافی یا جبرانی فراوان که مجال وقت کشی را سلب می کند و تیم های صرفا دفاعی را خسته می‌سازد نباید غافل شد.

هر دو گل ایران در دقایق بعد از اتمام زمان رسمی بازی به ثمر رسید و این یعنی فیفا در حال بهبود و وضع قوانین تازه است و البته به دو اصل لذت تماشاگر و سلامت بازیکن بها می‌دهند. کافی است با جام های بیست سی‌سال قبل مقایسه کنیم که چگونه حرکتی خشن بازیکنی را از فوتبال و گاه زندگی بدون رنج و درد ساقط می کرد یا لذت بازی را با کشتن وقت می گرفتند. در قطر اما وقت‌های تلف شده با بالاترین زمان منظور می‌شود و ما از این تدبیر شیرین‌ترین میوه را چیدیم و این هم قابل توجه بد و بیراه گویان دایمی به هر چه ساز و کار جهانی است!

۴. با این که برخی می‌پنداشتند یا پیشنهاد می کردند در بازی با ولز از بازیکنانی که به خاطر دیدار انگلستان زیر شدیدترین انتقادات قرار داشتند استفاده نشود اما سیدحسین حسینی را درون دروازه قرار داد هر چند که اگر فیفا به بیرانوند اجازه بازی می‌داد از او استفاده می کرد اما در غیاب او دروازه‌بان را تغییر نداد. سه بازیکن دیگر (روزبه چشمی و علی کریمی و مجید حسینی) را نیز و این یعنی کی‌روش متفاوت است و می توان حدس زد این رفتار از مربی دیگر سر نمی‌زد و دست کم دو یا سه نفر از اینان را در این بازی به میدان نمی‌فرستاد.

۵. این که از بازیکن روحیه‌دار بازی بگیری هنر خاصی نمی‌طلبد ولی این که بازیکن بی‌روحیه را بازسازی کنی تا پس از دریافت ۶ گل در بازی قبل دروازه را در یک بازی نفس گیر بسته نگاه دارد و دیگری که متهم ردیف اول شکست قبلی تلقی می‌شد گل پیروزی را به ثمر برساند هنر می‌خواهد.

۶. واقعیت این است که شکست ولز بعد از اخراج دروازه‌بان‌شان در دقایق پایانی رخ داد تا بار دیگر بدانیم دروازه‌بان چه نقش ممتازی دارد و بیهوده نبود که بعد از مصدومیت شدید بیرانوند کیروش بر سر کوفت چون نقشه‌های خود را نقش بر آب دید. برای ولزی‌ها البته فاجعه مضاعف بود چون با کارت قرمز اخراج و یک یار هم از آنها کم شد. هم در باخت ایران به انگلستان باید آن اتفاق را لحاظ کرد و هم در این برد مقابل ولز. این هم ناگفته نماند از ابتدا کی‌روش روی برد انگلستان حساب نکرده بود و می‌خواست امتیازها را از دو بازی دیگر جمع کند اما آن اتفاق داستان را تغییر داد چرا که اگر هم برای باخت با فاصله کم آمده و آماده بود اما دریافت ۶ گل پیش‌بینی نشده بود.

۷. ارزش این برد به این خاطر هم هست که اگر می‌باختیم و زودهنگام از جام خداحافظی می کردیم نه تنها رویای صعود بر باد می‌رفت و دیدار بعدی مقابل آمریکا هم تشریفاتی می‌شد بلکه باید خود را آماده شنیدن نظرات شاذ مربیان وطنی و کسانی چون محمد مایلی کهن و حسن روشن می‌ساختیم که سفره دل می گشودند تا انتقام همه سال‌های رفته را که دست آنها از تیم ملی کوتاه بوده از کی‌روش بگیرند و تحمل این ادعاها آن هم در این وضعیت اجتماعی واقعا دشوار و طاقت‌فرسا بود و از این رو باید سپاس گزار (و به قول امیر قلعه‌نویی ممنون‌دار) تیم ملی بود! ناگفته نماند که به خاطر بیم واکنش های منفی در افکار عمومی دعوت های تلویزیون غالبا پاسخ منفی در پی داشته و سخنان تکراری کمتر می شنویم ولو مجریان تکراری باشند.

۸. این اولین برد ما در جام جهانی مقابل یک تیم اروپایی است. تیمی که در گروه خود دوم شده بود و با حذف اوکراین به جام جهانی رسید.

۹. تماس تلفنی ساپینتو مربی پرتغالی استقلال با سیدحسین حسینی دروازه‌بان استقلال و تیم ملی برای روحیه دادن به او را هم نباید فراموش کرد. او که خود روزگاری شاگرد کی‌روش بوده نه تنها به هم‌وطن خود رشک نمی‌ورزد که برای او احترام و حق استاد شاگردی قایل است. نیاز به یادآوری نیست که چنین رفتاری از همه سر نمی‌زند.

۱۰. و سرانجام این که آفرین بر پیمان یوسفی که با همه ملاحظات و محظورات یک گزارش شسته و رفته و ملی ارایه داد. نه لحن حماسی و شاهنامه‌ای به خود گرفت و مانند جواد خیابانی عنان احساسات را تازاند و نه مثل بعضی دیگر که پس از دهه‌ها انکار ایران و ملیت این ادبیات را به کار می گیرند ملی گویی‌های او توی ذوق می‌زد. آن «مجید جان»ی که در میانه گزارش گفت هم در خاطره‌ها می‌ماند چندان که نوع شادی سردار آزمون با سرمربی که درباره او تسلیم برخی فشارها نشد. بازی ایران و ولز خاطره‌ای خوب برای ایرانیان ساخت هر چند که برای شاد بودن جامعه بردن در یک مسابقه ملی -که به هر حال یک بازی است- کافی نیست.../ عصر ایران



صد جام جهانی فدای رضایت ملت!



هومان دوراندیش: فریادهای "بی‌شرف، بی‌شرف" [شماری از] تماشاگران ایرانی حاضر در استادیوم الخلیفه، حین تماشای بازی ایران و انگلستان، یکی از عجیب‌ترین وقایع تاریخ فوتبال ایران است.

اگرچه صداوسیما صدا و تصویر این تماشاگران معترض را سانسور کرد، ولی ویدیوهایی که از ورزشگاه بیرون آمد، گویای همه چیز بود. اصول‌گرایان فعال در توئیتر و اینستاگرام هم این ویدیوها را انکار نکردند؛ فقط آن را نشانهٔ وطن‌فروشی تماشاگران دانستند. اینکه علیه تیم خودی شعار دهیم و بابت گل زدن تیم حریف خوشحال شویم، نشانهٔ وطن‌فروشی است یا اعتراض؟ جواد ظریف هم اصول‌گرایان را متهم می‌کرد حین مذاکرات هسته‌ای پشت تیم خودی را خالی کرده‌اند و مدام علیه تیم مذاکره‌کنندهٔ ایران موضع می‌گیرند و تمرکز تیم را به هم می‌زنند.

آیا اصول‌گرایانی که چنین کاری می‌کردند، وطن‌فروش بودند یا اینکه معترض بودند؟ معترض به اصل و روند و محتوای مذاکرات. اگر از اصول‌گرایان بپرسیم، قطعا می‌گویند ما به مذاکرات معترض بودیم و آن را در خدمت منافع کشور نمی‌دانستیم.

[شماری از] تماشاگران ایرانی حاضر در ورزشگاه و نیز سایر ایرانیانی که بابت گل خوردن تیم ملی خوشحالی کردند، حتما می‌گویند ما از سر وطن‌دوستی معتقدیم بازیکنان تیم ملی باید در کنار شهروندان معترض بایستند و فوتبال و جام جهانی نباید سبب شود "وقایع سیاسی مهم" فراموش شود یا به حاشیه برود.

هر دو گروه، یعنی اصول‌گرایان تندرویی که به اعضای تیم مذاکره‌کنندهٔ ایران توهین می‌کردند و تماشاگرانی که به بازیکنان تیم فوتبال ایران توهین کردند، معتقدند گروه دیگر همانند کسی است که – به تعبیر قرآن – کردار بدش برای او آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند (سورهٔ فاطر، آیهٔ ۸).

بنابراین بعید است که بحث این تماشاگران و آن اصول‌گرایان بر سر "وطن‌فروشی" به جایی برسد. هیچ کدام نمی‌توانند دیگری را قانع کنند. البته در فحاشی باز است و می‌توانند همچنان به یکدیگر فحش بدهند. قبلا فقط راست‌گرایان افراطی فحش می‌دادند، الان معترضان هم فحش می‌دهند. انگار انحصار فحاشی از دست راست افراطی خارج شده است!

اما سؤال اساسی این است که چرا شمار قابل توجهی از مردم فوتبال‌دوست ایران از باخت تیم فوتبال ایران در چنین مسابقهٔ مهمی خوشحال شدند یا دست کم غمگین نشدند؟ چرا در سال ۷۶ و در بازی ایران و استرالیا همه طرفدار تیم ملی بودند و بعد از بازی به خیابان ریختند و شادی کردند؟

در پرانتز باید گفت که راست‌گرایان افراطی آن موقع هم از شادی مردم ایران شاکی شدند. مثلا مسعود ده‌نمکی در نشریه‌اش تیتر زد: "به بهانهٔ صعود به جام جهانی، ناموس مردم را در خیابان به رقص آوردند!"

انگار از نظر برخی حضرات فرقی ندارد مردم ایران بابت چه چیزی شادی کنند. یعنی مردم حتی اگر بابت پیروزی ایران هم شاد باشند، عده‌ای از شادی مردم ناشاد می‌شوند! نه که لزوما دشمن مردم باشند. دشمن شادی و خوشی‌اند. به قول شاملو: «تبسم را بر لب‌ها جراحی می‌کنند/ و ترانه را بر دهان/ شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد.» اما چرا؟ شاید چون «سور عزای ما را بر سفره نشسته»اند! انگار مردم همیشه باید "غلامی و غمناکی" پیشه کنند تا عده‌ای در این مملکت از مهتری و سروری خود مطمئن باشند.

بگذریم. پرانتز طولانی شد! داشتم می‌گفتم در بازی ایران و استرالیا همهٔ مردم ایران طرفدار تیم ملی بودند. یا حتی در همین دو دورهٔ اخیر جام جهانی، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸، همه خواهان پیروزی ایران بر آرژانتین و اسپانیا و پرتغال و ... بودند.

پس چرا کار به این جا رسیده؟ آیا این رفتار متفاوت، نمی تواند ناشی از تفاوت انتخابات ریاست جمهوری در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۴۰۰ باشد؟ هر چقدر هم که جناح راست مدعی باشد مردم ناراضی از وضع موجود، در انتخابات سال ۱۴۰۰ کاندیدا داشتند و می‌توانستند به یکی از کاندیداهای غیراصول‌گرا رای بدهند، این "شوخی" تبدیل به یک حرف "جدی" نمی‌شود.

اگر ریاست جمهوری خاتمی در سال ۷۶ برآیند "ارادهٔ ملی" بود، ریاست جمهوری رئیسی در سال ۱۴۰۰ هم برآیند "اعراض ملی" از صندوق‌های رای بود.

نکتهٔ مهم‌تر از کیفیت انتخابات اما این است که انتخابات "زینت المجالس بین‌المللی" یا ابزار کسب مشروعیت در عرصه‌های جهانی نیست. انتخابات ابزار کسب مشروعیت در عرصهٔ داخلی یعنی نزد مردم همین سرزمین است. رای مردم هم دلالت‌هایی دارد.

در سال ۷۶، بعد از پیروزی خاتمی در انتخابات، چهره‌های دست راستی بارها گفتند «هیچ چیز عوض نشده است.» در عمل هم تلاش کردند چیزی عوض نشود و موفق هم شدند. و این یعنی عدم تمکین به دلالت‌های رای مردم در سیاست داخلی و سیاست خارجی.

سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در هر کشوری، باید محصول ارادهٔ ملی باشد. ارادهٔ ملی هم در شرایط سیاسی نرمال و بی‌تنش، در انتخابات متجلی می‌شود؛ انتخاباتی که با استقبال ملت مواجه شده باشد.

در هر کشوری، امور ملی گوناگونی وجود دارد. حافظ شاعر ملی است. تیم کی‌روش، تیم ملی است. فلان "زبان" ملی است و فلان "رسم" هم. ولی "مردم" از هر چیز دیگری ملی‌ترند. چیزی ملی‌تر از "مردم" وجود ندارد.

مردم صاحبان اصلی این سرزمین‌اند. و این یعنی "تیم ملی" ملی‌تر از "مردم" نیست. صد جام جهانی فدای رضایت مردم ایران! آیا مردم از وضع موجود راضی‌اند؟ وضعی که با نادیده گرفتن رأی‌شان طی دو دهه (از ۷۶ تا ۹۶) رقم خورده است. شما رضایت مردم را تأمین کنید، مطمئن باشید علیه تیم ملی شعار داده نمی‌شود و مردم با عشق ذاتی و فراگیرشان به فوتبال، دوباره پشت و پناه فوتبال ایران خواهند بود./ عصر ایران



محمد غلامی:

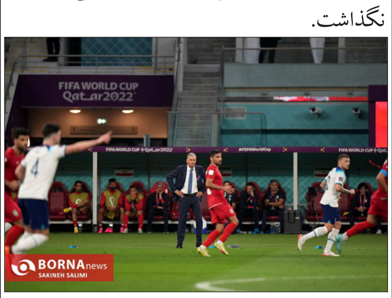
شگفتی‌های جام جهانی کم نبوده است
از کی‌روش انتظار صعود داشتم

مهاجم اسبق تیم‌های سپاهان و ملوان بندر انزلی نظرات خود درباره جام جهانی و تیم ملی را بیان کرد.

محمد غلامی، پیشکسوت فوتبال در گفت‌وگو با خبرنگار گروه ورزشی خبرگزاری برنا در خصوص جام جهانی قطر اظهار داشت: جام امسال جام شگفتی‌ها بوده است. تیم هایی چون ژاپن و مراکش به مراحل بالا رسیدند و آلمان حذف شد. در این جام اتفاقاتی از این دست زیاد بود.

وی درباره عملکرد ایران در جام گفت: ایران در این دوره خوب بازی کرد اما خوب بازی کردن ملاک نیست. در ابتدا اما باید نسبت به حضور کی‌روش انتقاد کنم زیرا وقتی خود اسکوچیچ تیم را به جام جهانی رسانده بهتر است خودش روی نیمکت تیم می‌نشست. حواشی در خصوص دخالت بازیکنان شنیده می‌شد و بگذارید بگویم که بازیکنان مختار نیستند هرچه دل‌شان خواست بگویند. یک عده اسکوچیچ را قبول داشتند و یک عده کارلوس کی‌روش را اما نظرم این است که بازیکنان نباید دخالت می‌کردند.

غلامی افزود: خودم با کی‌روش کار کردم و انتظار داشتم تیم ملی از مرحله اول صعود کند. او سابقه فعالیت در ایران و صعود به جام را دارد و انتظارمان را بالا برده بود اما این بار کارنامه خوبی بر جای نگذاشت.



آیا حضور یک مربی ایرانی روی نیمکت می‌تواند اتفاقی مثبت باشد؟ پاسخ غلامی اینگونه بود: به نظرم مسئولین می‌توانند از مربی خوب ایرانی استفاده کنند. اگر قرار بود حذف شویم چرا با یک مربی ایرانی نرفتیم؟ مثلا آقای نکونام، قلعه‌نویی یا ربیعی کسانی هستند که می‌توانند به تیم کمک کنند. علمش را هم دارند اما انتخاب چیز دیگری بود. اسکوچیچ روز اول انتخاب و به تفکراتش اعتماد شد. خودش تیم را به جام برد و بهتر بود او روی نیمکت می‌نشست اما به نظر می‌رسید بازیکنان نظر دیگری دارند. به نظرم این حرکت از فدراسیون فوتبال غیر حرفه ای بود.

پیشکسوت فوتبال درباره انتخاب بهترین بازیکنان ایران در جام جهانی عنوان کرد: به نظرم رامین رضاییان جزو بهترین بازیکنان بود. مهدی طارمی را هم پسندیدم. جلالی زمانی که به زمین آمد بسیار خوب کار کرد. غلامی درباره علاقه خود به تیم‌های حاضر در جام گفت: برزیلی‌ها تیم یکدست و خوبی بودند و طرفدارشان بودم. به سختی توپ را از دست می‌دادند و کاملا هجومی بودند. خود من هم سابقه بازی مقابل آن‌ها را دارم. آن‌ها اصلا شکننده نیستند و بازیکنان تکنیکی به وفور دارد. زمان ما پاتو و کوتینیو بازی می‌کردند و حالا نیمار. آن‌ها هدف‌شان رساندن توپ به نیمار و وینیسوس بود که خیلی از اوقات به آن می‌رسیدند. اسپانیا با کیفیت کار کرد. انگلیس هم تیم بسیار خوبی بود و نمی‌توانیم بگوییم تنها مقابل ایران نمایش دل‌انگیزی داشتند اما به طور کلی سبک بازی برزیل را در مسابقات امسال پسندیدم.

تأثیر متقابل اعتراضات و رکود تورمی

دکتر زهرا کریمی



هرچند اعتراضات مردم به دلایل غیراقتصادی آغاز شد، ولی کمتر کسی تردید دارد که نارضایتی از شرایط اقتصادی - اجتماعی از یکسو و فقدان امید نسبت به زندگی بهتر در آینده، عامل مهمی در شکل‌گیری و تداوم این اعتراضات بوده است.
اعتراضات بر مشکلات درهم‌تنیده اقتصادی افزوده است. وضعیت ناآرام اجتماعی تقاضا برای برخی از کالاها، از جمله پوشاک، کیف و کفش را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. به گفته مسئولان صنف پوشاک، رکود در این بازار در اثر حوادث اخیر بدتر از دوماهه اول همه‌گیری کرونا بوده است.
رکود در بازار آجیل و خشکبار نیز کمابیش مشابه بازار پوشاک گزارش شده است. اعتراضات و ناآرامی‌های اخیر بسیاری از واحدهای خدماتی، از جمله هتل و رستوران را تحت تأثیر قرار داده و کاهش حضور مردم در فضاهای عمومی به تعطیلی بسیاری از باشگاه‌های ورزشی در شهرهای بزرگ منجر شده است.
در این میان قطع اینترنت در پی بروز اعتراضات ضربه مهلکی به کسب و کارهای اینترنتی وارد آورده است. زیان ناشی از قطع اینترنت و کاهش فروش و افزایش هزینه ناشی از آن برای بنگاه‌ها به روزانه بین ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان ارزیابی شده است. به علاوه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار فرصت شغلی از میان رفته است.
بی‌ثباتی سیاسی از مهم‌ترین عوامل افزایش نااطمینانی برای سرمایه‌گذاران است. برای تحلیل چشم‌انداز اقتصاد ایران تا پایان سال ۱۴۰۱ و پس از آن سناریوهای بسیاری را می‌توان مطرح کرد که در این مجال کوتاه به دو سناریوی عمده اشاره می‌شود: سناریوی اول؛ ایجاد وفاق اجتماعی و ثبات سیاسی، و سناریوی دوم؛ تداوم بی‌ثباتی و تشدید مشکلات لاینحل اقتصادی.
۱. براساس سناریوی اول؛ انتظار می‌رود که دولتمردان با اقدامات عاجل در جهت افزایش اعتماد عمومی و ایجاد امید نسبت به آینده گام بردارند. باور و امید مردم به انجام تغییرات اساسی در عرصه داخلی و کاهش تنش در روابط بین‌المللی به ایجاد ثبات سیاسی منجر خواهد شد و به تبع آن سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد افزایش خواهد یافت. با وجود این که حرکاتی در جهت ایجاد تغییر در روابط اجتماعی- اقتصادی بروز کرده، ولی متأسفانه تاکنون گام موثری در این جهت برداشته نشده و نشانه‌های مثبتی از تغییرات اساسی دیده نمی‌شود.
۲. بر اساس سناریوی دوم بی‌ثباتی و تشدید مشکلات لاینحل اقتصادی همچنان ادامه خواهد یافت و کشور با نارضایتی فزاینده از وضعیت اقتصادی و اجتماعی مواجه خواهد شد. در چنین حالتی اگر اعتراضات کنونی هم کنترل شود، احتمال بروز ناآرامی به اشکال مختلف وجود خواهد داشت. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که روند نامساعد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد در سال ۱۴۰۱ همچنان ادامه یابد.

چرا ایران مثل قطر امکان قرارداد بزرگ گازی ندارد؟



فرزین سوادکوهی روزنامه نگار با سابقه حوزه انرژی در این باره طی گفتگو با فرارو اظهار کرد: «اگر قرار باشد میان ایران و قطر مقایسه‌ای انجام دهیم، باید بگوییم که طرف قطری به مراتب از ایران جلوتر است. به همین دلیل هم تولید انبوه ما از پارس جنوبی در حال حاضر حدود ۷۱ ترلیون فوت مکعب است. یعنی چیزی حدود ۲۰۱۰ میلیارد متر مکعب. این در حالی است که تولید انبوه قطر ۱۲۵ ترلیون فوت مکعب است. یعنی ۳۵۴۰ میلیارد متر مکعب از میدان پارس جنوبی برداشت دارد؛ بنابراین قطر تولید بیشتری نسبت به ایران دارد و یکی از دلایلش هم این است که ایران ۳۰ سال دیرتر از قطر برداشت از پارس جنوبی آغاز کرد.»
وی ادامه داد: «نکته جالب این است که ما در دوره‌ای خوشحال از این بودیم که تولید گاز ما در پارس جنوبی در حال نزدیک شدن به قطر است و حتی امیدوار بودیم که هم اندازه قطر تولید کنیم. اما عملاً اتفاق خاصی رخ نداد. نتیجه هم این شد که حالا قطر یکی از طولانی‌ترین قراردادهای گازی تاریخ به ارزش ۶۰ میلیارد دلار با چین امضا کرده است و با این کار سعی دارد برای آینده خود، شرکای استراتژیکی قوی‌تری پیدا کند. اما متاسفانه ما طی این سال‌ها اصلا همچین نگاهی به ماجرا نداشتیم.»
این روزنامه نگار تصریح کرد: «واقعیت این است که ما هرآنچه از میادین گازی خود برداشت می‌کنیم را مصرف می‌کنیم. زیرا یکی از نگاه‌های ما در سال‌های گذشته، گاز رسانی به اقصی نقاط کشور بود. در حالی که ما باید به این سمت و سو می‌رفتیم که از دیگر حامل‌های انرژی استفاده کنیم که عمدتا هم خارج از حامل‌های هیدروکربنی باشند. مثل برق. اما ما اصلا به این توجه نکردیم و به همه جا گازکشی کردیم و به همان میزان هم، چون بهینه سازی هم نداشتیم و همیشه با قدیمی‌ترین تکنولوژی‌ها کار کردیم، بیشترین مصرف گاز را داشتیم. به همین دلیل هرچه تولید کردیم را مصرف کردیم. البته الان دیگر حتی تراز گازی ما به هم خورده و آنقدر همان روند را ادامه دادیم که حالا مصرفمان از تولیدمان پیشی گرفته است.»
سوادکوهی تاکید کرد: «هرچند ایران دومین دارنده بزرگترین ذخایر گازی جهان است، اما سهمی در صادرات ندارد. بنابر گزارش‌ها سهم ایران از صادرات جهانی زیر ۲ درصد و حتی بعضی معتقدند که حدود ۱.۲ درصد است. در چنین شرایطی قطر به فکر ۲۷ سال آینده و حتی بیشتر از مدت این قرارداد است. آن‌ها سعی دارند اقتصاد گازی خود را تضمین کنند. این دقیقا همان نگاهی است که اصلا ما نداریم. ما صرفا دل خوش کردیم به چندصد هزار بشکه نفتی که می‌فروشیم و این درحالی است که درهای کشور بر روی حتی مشتری‌های سنتی که داشتیم هم بسته شده. در چنین شرایطی چین ابتدا به سراغ عربستان رفت و قراردادهای بزرگی با آن‌ها بست و حالا هم با قطر یک قرارداد بسیار بزرگ امضا کرده است.»
وی با اشاره به آخرین گزارش اوپک در خصوص ایران، گفت: «در این گزارش آمده که ما به دلیل عدم سیاست‌های درست در حوزه توسعه، حدود ۴۵۰ میلیارد دلار عدم‌النفع داشتیم. یعنی ما هر روزی که تاخیر و کوتاهی در توسعه میادین انجام دهیم، به همان میزان ضرر می‌کنیم. مثلا همان اتفاقی که در پارس جنوبی افتاده است و به دلیل همین تاخیرها، قطر ۶۰۰ میلیارد متر مکعب (معادل ۱۵۰ میلیارد دلار) بیشتر از ما برداشت انجام داده است.»
همچنین سوادکوهی با اشاره به عدم توانایی ایران در تامین قراردادی مثل آن چه میان قطر و چین امضا شده است، عنوان کرد: «دلایل متعددی وجود دارد که ایران نمی‌تواند از پس قراردادی به بزرگی این قرارداد بر بیاید. یکی از این دلایل عدم حضور سرمایه‌گذار است که بسیار حوزه انرژی را آزار می‌دهد. ما حتی سرمایه گذارهای کوچک هم نداریم چه برسد به سرمایه‌گذارهایی که در قطر فعال هستند. دلیل دیگر این است که ما استراتژی مشخصی هم در تولید و مصرف و صادرات نداریم. ما نهایتا تلاش می‌کنیم که بیشتر تولید کنیم و این اصلا استراتژی محسوب نمی‌شود.»
او تاکید کرد: «درباره صادرات هم که اصلا نمی‌توان صحبت کرد. وقتی مصرفمان از حد بگذرد، دیگر بحث درباره صادرات معنی ندارد. از نظر زیرساخت هم ما اصلا قابل مقایسه با قطر نیستیم. به هرحال وقتی سرمایه گذاری وجود نداشته باشد، زیرساخت هم با مشکل مواجه خواهد شد؛ بنابراین ما اصلا امکان صادرات نداریم و صرفا به میزان بسیار پایینی به کشورهایی نظیر ترکیه و عراق صادر می‌کنیم. در کنار همه این‌ها باید بی تفاوتی به مسئله بهینه سازی الگوی مصرف را هم اضافه کنیم. ضمن اینکه مسئله تحریم‌ها را هم نباید نادیده بگیریم که تاثیر زیادی روی صادرات ما دارد.»

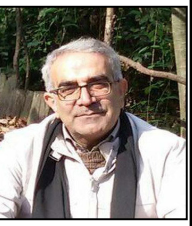
روزنامه هم‌میهن:

معیشت در مدار منفی

اعتراضات به نحوی آغاز شد و ادامه یافته است که بسیاری معتقدند مسائل اقتصادی در آن نقش اصلی را ندارد یا حتی نقشی ندارد. این را به دو دلیل می‌گویند؛ اول، ترکیب معترضان که برخلاف سال ۹۸ از مناطق مرفه‌تر جامعه هستند. دوم، براساس شعارهایی که می‌دهند. اگرچه این تحلیل بخشی از واقعیت را تبیین می‌کند، ولی مغفول ماندن اثر مشکلات اقتصادی ضعف بزرگ آن است. علت هم روشن است؛ زیرا معترضان اصلی در بطن جامعه‌ای عمل می‌کنند که دردهای اقتصادی بزرگی دارند و این مشکلات موجب رویکرد مثبت آنان به اعتراضات شده است و اگر تصور کنند که ادامه وضع جاری به بهبود امور معیشتی آنان نمی‌انجامد، احتمالا از این پس شاهد شعارهای اقتصادی هم باشیم. به‌علاوه، مردم به‌طور طبیعی هر مشکلی را که حل یا شنیده نشود، در نهایت پس از مدتی، آن را به زبان سیاسی ترجمه و بیان خواهند کرد.
با این ملاحظات سال گذشته امیدی در جهت حل مشکلات براساس وعده‌های داده شده ایجاد شده بود که متاسفانه به علل گوناگون محقق نشده است. اصلی‌ترین وعده‌ها را باید در رشد اقتصادی و نصف شدن تورم و افزایش سالانه بیش از یک میلیون شغل و وعده ساخت سالانه یک میلیون مسکن و بهبود بورس ببینیم که هیچ‌کدام محقق نشده است. متاسفانه مدیریت دولت هم اصرار دارد همه نارسایی‌ها را به عهده دولت‌های قبلی بیندازد؛ غافل از اینکه وعده‌ها را این دولت داده و نه دولت‌های قبلی. یا نباید وعده می‌دادید یا اگر داده‌اید، باید مسئولیت بپذیرید. هرکس سود این وعده دادن‌ها را هنگام انتخابات برده، اکنون که نوبت حساب‌کشی است باید هزینه آن را نیز بپردازد. اگر می‌گفتید کاری نمی‌توانیم بکنیم، ایرادی به عملکرد شما نبود. بیایید صادقانه ببینیم. آیا وضعیت سیاست‌های ارزی هم تقصیر دولت سابق است؟ آیا وضعیت مدیریت بورس هم تقصیر آنان است؟ آیا وزیر کار شما را هم دولت سابق نصب کرد که پس از استعفای وزیر سابق، تعیین جانشین او این همه مدت در کشاکش چند نفر بود؟ آیا وزیر راه و شهرسازی شما را دولت سابق آورده؟ آیا سیاست‌های خودرویی شما را خودتان مصوب نکردید؟ ادامه تورم ناشی از چیست؟ شما که مدعی فروش زیاد نفت و دریافت پول آن هستید، پس چرا همچنان تورم بالاست و حتی تورم مواد خوراکی نیز کم نشده و روند رو به رشد و عجیب آن ادامه دارد؟
پاسخ به همه این پرسش‌ها روشن است. دولت کنونی فاقد راهبرد و رویکرد و برنامه منسجم و تعریف شده اقتصادی است و تصمیمات آن به‌صورت اقتضایی است و بدون ارجاع به یک راهبرد و رویکرد و برنامه تصمیم می‌گیرند. گفتند ۷۰۰۰ صفحه برنامه دارند. این، یعنی هیچی نداشتند که امروز می‌گویند به دولت کمک کنید. مشکل فراتر از نداشتن برنامه است. حتی قادر به انتخاب افراد هم نیستند. حدود چهارماه معطل وزارت کار بودند. موضوعی که فقط چند روز وقت لازم داشت. حالا هم چند هفته است که وزارت راه در راه مانده و تازه می‌گویند در آینده خبرهایی خواهید شنید؛ درحالی‌که قبلا خبرهایش منتشر شده است. البته، اگر در آخرین ساعت تغییر نکند. آیا اینها هم تقصیر دولت‌های گذشته است؟ مشکل فراتر از این دو است. در پذیرش مسئولیت ناتوان هستند ولی انتظار دارند دیگران نیز بر مسئول نبودن آنان صحه بگذارند. اگر همه اشکالات را نادیده بتوان گرفت، این اشکال را نمی‌توان.

جامعه شناسی مرگ؛ دگرگونی تدریجی در مراسم سوگواری ایرانیان

دکتر سعید معدنی



چند سال قبل همکار پیرمان فوت کرد. او سالها در خارج از کشور درس خوانده و زندگی کرده بود و فرزندانش نیز در خارج از کشور ساکن بودند که برای مراسم یادبود پدر به ایران آمده بودند و حتی یکی‌شان خوب فارسی بلد نبود.

وقتی وارد آپارتمان شیک در بالای شهر تهران شدیم، متفاوت از عزادارهای خانواده و خانه‌های سنتی که معمولا گریه‌ی زنان از سویی بلند است و قرآن خواندن در بخش مردانه برگزار می‌شود، در یکی از اطاق‌ها یکی پیانو می‌نواخت و به درخواست فرزند مرحوم برخی همکاران خاطره‌ای خوش – همچون اروپایی‌ها– ازپدرش می‌گفتند و او هم فیلمبرداری و ضبط می‌کرد.

دهه‌هاست که در میان خانواده‌های مدرن، و اقشار تحصیلکرده و روشنفکر بعضا مراسم ختم یا یادبود، در تالارها و فرهنگسراها بدون حضور روحانی و مداح و روضه‌خوان انجام می‌شود. اما در بین توده و عموم مردم همیشه فرهنگ سنتی مسجد و آخوند و مداح حضور داشته است.

حوادث و ناآرامی‌های اخیر کشور نشان می‌دهد که در سطح عموم جامعه نیز تحولاتی رخ داده است. برای کشته‌شدگان اعتراضات، زنان در گورستان‌ها بدون حجاب حاضر می‌شوند، از روضه و آخوند و مداح خبری نیست. شعار می‌دهند و برای تشویق و تشجیع هم دست می‌زنند و ترانه می‌خوانند.

جالب‌تر آن که معمولا در نزد هموطنان اهل سنت، مراسم چهلم مرسوم نبوده، اما بعداز مرگ مهسا امینی، سنت شیعی اربعین یا چهلم، در میان کردها و بلوچ‌های اهل سنت هم برای زنده نگهداشتن یاد و نام کشته شدگان رواج یافته است. این علائم و نمادهای نوین (بی‌حجابی همراه با دست زدن و ترانه خواندن) نشان می‌دهد تغییری جدی در آیین مرگ و بزرگداشت یاد متوفی در بین عموم مردم درحال وقوع است. احتمالا در آینده حداقل در بخش‌هایی از جامعه، مراسم ختم و تشییع، همچون گذشته نخواهد بود و برگزاری مراسم یادبودهای مردگان بدون روحانی و مداح و در مکان‌هایی غیر از مسجد برگزار خواهد داشت. این پدیده نسبتا نوین در بین توده مردم، موضوع مناسبی برای پژوهش در حوزه‌ی جامعه شناسی مرگ و تغییر در آیین‌های سوگ ایرانیان است.

عباس عبدی:

اعتراضات اخیر کاملا قابل پیش‌بینی بود

علت اصلی حوادث اخیر بی‌درایتی در سیاست رسمی است

عباس عبدی در روزنامه اعتماد نوشت:

آن چه که در جامعه ایران بیش از هر چیزی در سطح کنشگران رسمی دیده می‌شود، سخنان درست و غلطی است که بدون توجه به نتایج مترتب بر آن ابراز می‌شود. شاید اگر قدری به تبعات آنها توجه شود، در این صورت بخش مهمی از ابهامات برطرف گردد.

این روزها که اعتراضات عمومی ادامه یافته است، یکی از اتهامات علیه معترضین این است که چرا جایگاه ایران را در مواجهه با کشورهای دیگر تضعیف می‌کنید؟ برای اثبات این ادعا به دوران ۱۳۸۸ و مراحل اولیه پرونده هسته‌ای ایران اشاره می‌کنند، گویی که کشف بسیار مهمی کرده‌اند. یکی از افراد فعال در این پرونده در توضیح این ادعا نوشته است که:

"کاخ سفید بیانیه داده که فعلا مذاکره نمی کنیم. یاد ۸۸افتادم که تلفن ها را جواب ندادند به امید موفقیت فتنه. این بار هم آشکارا می گویند فعلا برنامه آشوب است و مذاکره نمی کنیم. مقاله نوشتم از اینکه چگونه آشوب های ۸۸ کشور را به کام تحریم های فلج کننده اقتصادی کشاند. بازخوانی آن در این روزها شاید خالی از فایده نباشد."

به نظر می‌رسد که ما در حال مجادله درباره بدیهیات هستیم، بدیهیاتی که هر کس به صورت غریزی متوجه آن می‌شود.



اینکه جریان ۱۳۸۸ و نیز اعتراضات جاری موجب تضعیف ایران در مواجهه با کشورهای دیگر شده است و می‌شود از بدیهی‌ترین امور است، همان گونه که انتخابات سال ۱۳۷۶ موجب شد که کشورهای دیگر حساب جداگانه‌ای در برابر ایران باز کنند، همان گونه که انتخابات ۱۳۹۲ موجب این تغییر رویکرد دیگران شد.

بنابراین بحث کردن در باره این بدیهیات چیزی جز جدل نیست. آن چه که اهمیت دارد این است که چرا این اتفاقات رخ داده که منجر به تضعیف ایران شده است؟ آیا گریزناپذیر بوده؟ آیا توطئه دشمنان بوده؟ آیا ناشی از نارسایی‌ها و اشتباهات سیاسی حکومت بوده؟ و مهم‌تر از همه اینکه چگونه می‌توان مانع از تحقق آنها شد؟

برای نمونه ماجرای ۱۳۸۸ و ماجراهای بعدی ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، همگی ریشه در داخل دارد، حتی اگر در مواردی کم یا بیش از طرف بیگانگان تحریک شده باشد. بالاتر از این اگر هم کل ماجرا را به خارجی‌ها نسبت دهند، این پرسش باقی می‌ماند که آنان بذرهای خود را در زمین مستعد می‌کارند، پس در بهترین تحلیل رسمی هم باید به این استعداد زمین داخلی توجه کند، و در بدترین تحلیل اینکه کشاورز و بذر و آبیاری و زمین سیاست و... همه داخلی است.

وظیفه یک حکومت این نیست که بگوید این اعتراضات مورد بهره‌برداری دشمن قرار می‌گیرد، چون این طبیعی است، آنان براساس قدرت و منافع خودشان با حکومت معامله می‌کنند. وظیفه حکومت این است که با درایت و آینده‌نگری و روشن‌بینی سیاسی اجاره ندهد که چنین حوادثی در کشور شکل گیرد. حوادثی که کاملاً قابل پیش‌بینی بوده و علت اصلی آن نیز بی‌درایتی در سیاست رسمی است.

هنگامی که قدرت در جایی شکل می‌گیرد، به طور طبیعی مسئولیت نیز همزاد آن است. هر اتفاقی رخ دهد به نحوی مسئولیت آن منتسب به قدرت است و نمی‌توان آن را به عهده دیگران انداخت. این رفتار نشانه مسئولیت‌ناپذیری است.

اگر نگاهی به عملکرد دولت مستقر در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ کنید به روشنی متوجه می‌شوید که چه پرتگاهی در حال شکل‌گیری بود، به طوری که حتی مهندس موسوی را ترغیب کرد که علی‌رغم رفتار گذشته‌اش وارد میدان شود.

آیا برای شما ممکن است یک بار دیگر سیاست‌ها و گفتارهای آن مقطع زمانی را مرور کنید؟ یا خجالت می‌کشید و آنها را از حافظه ذهنی خود حذف کرده‌اید؟

درباره اعتراضات امروز هم همین طور است. آیا انتخابات ۱۳۹۸ را در تراز انقلاب می‌دانید؟ میزان مشارکت در تهران و کردستان جزو کمترین میزان‌های مشارکت بود که هیچ‌گاه سابقه نداشته است. این اتفاق عیناً در ۱۴۰۰ نیز رخ داد، آیا در هیچ‌کدام از اینها زنگ خطر را حس نکردید؟

در حقیقت مشکل نواصول‌گرایان این است که گمان دارند، همه باید ساکت باشند، تا آنان کارهای نابخردانه خود را انجام دهند، و هیچ مسئولیتی هم متوجه آنان نیست. نه؛ چنین نیست. حکومت و قدرت کل تجزیه‌ناپذیر است. همه قدرت در برابر همه مسئولیت معنا می‌دهد و نه هیچ چیز دیگر.

نقش کمرنگ تفریح و مصرف فرهنگی در سبد هزینه خانوار ایرانی

متوسط هزینه ایرانیان شهرنشین در سال گذشته ۹۲ میلیون و ۵۰۱ هزار تومان برآورد شده که نسبت به سال قبل از آن نزدیک به ۵۰ درصد افزایش داشته است.در میان گروه‌های اساسی بیشترین سهم در سبد مصرفی و هزینه‌ای خانوار مناطق شهری در سال ۱۴۰۰ مربوط به مسکن بوده است. از این مقدار ۲۶,۷ درصد سهم اقلام خوراکی و ۷۳,۳ درصد سهم اقلام غیرخوراکی بوده است. به عبارت دیگر، هزینه‌ای که خانوار ایرانی به طور متوسط به علت تامین مسکن متحمل شده است، ۳۶ درصد از کل هزینه خانوار را شامل می‌شود. این سهم در سال ۹۹ حدود ۳۷ درصد برآورد شده است.



سهم گروه تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی از کل هزینه متوسط ایرانیان در سال گذشته ۱,۶ درصد برآورد شده، در حالی که این سهم در ۹۶ حدود ۳ درصد بوده است.به بیان دیگر، در چند سال گذشته هزینه‌ای که ایرانیان برای تفریح و فعالیت‌های فرهنگی انجام داده‌اند کاملا روندی نزولی داشته و به شکل قابل توجهی کاهش یافته است.

اگر دولت با همین دست فرمان حرکت کند، گرفتار ابرتورم می‌شویم

کامران ندری، کارشناس اقتصادی: احتمال این‌که ما در میان‌مدت یا کوتاه‌مدت گرفتار ابرتورم شویم، خیلی پایین است، ولی اگر دولت با همین دست فرمان حرکت کند و به همین شکل کشور را اداره کند، در بلندمدت احتمال این‌که گرفتار ابرتورم شویم، وجود دارد.

در کل اقتصاد با این چالش مواجه هستیم که کسانی که اهلیت بیشتری دارند، ایزوله شدند و خارج از گود قرار گرفتند و آن‌هایی که اهلیت کمتری دارند، امور مملکت را به دست گرفتند.

۷۷ هزار همسرآزاری

با وجود آنکه در دو سال اخیر موارد معاینات مربوط به زنان مدعی همسرآزاری جسمانی با سیر نزولی همراه بوده، اما همچنان طی پنج سال گذشته، زنان بخش اعظمی از این معاینات را به خود اختصاص داده‌اند و آمارها بیانگر این است که ۹۶درصد از موارد معاینات مدعیان همسرآزاری جسمانی در سال ۱۴۰۰ مربوط به زنان بوده است. به گزارش ایسنا، از سال ۹۸ به بعد این آمار با سیر نزولی همراه بوده است. مطابق با جداول آماری منتشرشده از سوی مرکز آمار که اطلاعات آن از سازمان پزشکی‌قانونی اخذ شده است؛ به طور کلی در سال گذشته ۷۷هزار و ۶۳۷ مورد معاینه مربوط به مدعیان همسرآزاری جسمانی انجام شده که ۹۶/۷درصد از این معاینات مربوط به زنان بوده است. درواقع طی سال گذشته ۷۵هزار و ۱۳۰مورد معاینه جسمانی و ۱۲۷مورد معاینه روانی روی زنان مدعی همسرآزاری انجام شده که نشان می‌دهد، این آمار در قیاس با سال ۹۹ روند کاهشی داشته است.

گزارش افسردگی و اضطراب

بیشترین تماس‌های برقرار شده با سامانه ۱۴۸۰، به دلیل مشکلات افسردگی و اختلالات اضطرابی است. این را بهزاد وحیدنیا، مدیرکل مشاوره و امور روانشناختی سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد. او درباره تماس‌های برقرار شده با سامانه ۱۴۸۰ سازمان بهزیستی طی شش‌ماهه ابتدای امسال به ایلنا گفت: « بیش از ۸۶۴هزار تماس در شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۱ با خطوط ۱۴۸۰ برقرار شده است که حدود ۱۱درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش پیدا کرده است. ۱۲درصد این تماس‌ها به دلیل مشکلات افسردگی، اختلالات دوقطبی و اختلالات اضطرابی بوده است. استان‌های فارس و مازندران بیشترین آمار تماس با خطوط ۱۴۸۰ را دارند.» او ادامه داد:«عمده‌ترین مشکلاتی که در تماس‌ها مطرح می‌شود، مشکلات خانوادگی ازجمله مشکلات با خانواده همسر، مشکلات تربیتی و... است و موضوع مشکلات مطرح شده در تماس‌ها با سال گذشته تفاوتی نداشته است. از نظر الگوی تماس در مجموع نسبت به سال گذشته، تغییری نداشته‌ایم و صرفا میزان تماس‌ها نسبت به سال گذشته افزایش داشته است.»

علی دایی از تهدید علیه خود و خانواده‌اش خبر داد

علی دایی، اسطوره فوتبال کشورمان با انتشار یک پست در اینستاگرامش از تهدید خود و خانواده‌اش خبر داد.

آفتاب‌نیوز : دایی در این پست اینستاگرامی نوشته است: «به امید آزادی بی‌قید و شرط زندانیان این روزها. در این ماه‌ها و روزهای اخیر شاهد تهدیدات بیشماری علیه خود و خانواده‌ام از سوی نهادها، رسانه‌ها و افراد ناشناس بوده‌ام که خودشان را فیلسوف، پروفسور و جامعه شناس می‌دانند؛ که با نسبت دادن سخنان نادرست برخی از بزرگان مانند آیت‌الله بهجت و سواستفاده از نام ایشان سعی در تخریب من دارند.»

دایی در ادامه نوشت: «نقل از ایشان می‌کنند که به من گفته‌اند در فضای مجازی نباشم. نمیدانم این حرف از کجا آمده است. در زمان حیات ایشان اصلا فضای مجازی به صورت امروز وجود نداشت. من از آن بزرگوار درس انسانیت، شرافت، وطن پرستی و آزادگی گرفته‌ام با این عوام فریبی‌ها و تهدیدها به کجا میرسید؟»

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



تنها ۳۰ درصد از مردم ایران در سال ۱٤۰۰ به مسافرت رفتند



مرکز آمار ایران: در سال ۱۴۰۰، حدود ۳۰ درصد از خانوارهای کشور، یعنی حدود ۷ میلیون و ۸۰۰ خانوار حداقل یک سفر داشته‌اند. همچنین در طول سال ۱۴۰۰.۲۴ میلیون و ۶۸۷ هزار سفر انجام شده است. تعداد سفرهای داخلی حدود ۲۴ میلیون و ۶۳۹ هزار سفر بوده که ۴۲ درصد از آن، با اقامت شبانه و ۵۸درصد بدون اقامت شبانه (زیر یک روز) بوده است. بیشتر سفرهای با اقامت شبانه با هدف دیدار دوستان و بستگان (۶۵ درصد)، گردش و تفریح (۱۶ درصد) و درمان (۱۰ درصد) انجام پذیرفته است. بیشتر سفرهای بدون اقامت شبانه در سال ۱۴۰۰، با هدف دیدار دوستان و بستگان (۳۱درصد)، درمان (۲۴ درصد) و گردش و تفریح (۲۰ درصد) انجام شده است. اقامتگاه اصلی مورد استفاده در سفرهای داخلی با اقامت شبانه خانوارها در سال ۱۴۰۰، خانه بستگان و آشنایان با ۷۶ درصد، ویلا و آپارتمان شخصی با ۱۲ درصد، ویلا و آپارتمان اجاره‌ای با ۶ درصد، اقامتگاه عمومی با ۳ درصد، سایر اقامتگاه‌ها ۲ درصد و چادر و کمپ شخصی و اقامتگاه سازمانی هر یک با یک درصد بوده است/ایلنا

١٦ میلیارد تومان برای احیای میراث فرهنگی بوشهر جذب شد

معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: سهم این اداره کل از اعتبارات سفر رئیس جمهور با متمم در مجموع ۵۰ میلیارد تومان برای احیای بافت قدیم شهر بوشهر و ساماندهی بندر تاریخی سیراف است که تاکنون ۱۶ میلیارد تومان از این اعتبار جذب شده است. ۱۶ میلیارد تومان اعتبار جذب شده برای احیای بافت قدیم شهر بوشهر و ساماندهی آثار بندر تاریخی سیراف اختصاص یافته است. انتظار می‌رود در کنار این اعتبارات؛ شهرداری‌ها و شورای شهر نیز به ویژه در سیراف وارد کار شوند.

جوانان انقلابی به تیم ملی بروند

احمدحسین فلاحی، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با رویداد۲۴ در واکنش به نخواندن سرود ملی توسط برخی ملی‌پوشان گفت: «ورزشکاری که به شعارها و آرمان‌ها و علائم ملت احترام نمی‌گذارد را نباید نماینده ملت دانست. از این رو وزارت ورزش و جوانان باید با این گروه، تعیین تکلیف کند. بارها از استان‌های مختلف به من زنگ زدند و گفتند ما جوانانی داریم که معتقد به نظام هستند و دوست دارند بیایند و در تیم ملی بازی کنند. وزارت ورزش و جوانان باید بیاید و با یک دیدگاه انقلابی، کارش را انجام دهد و تجدیدنظری در تیم‌های ملی خودش داشته باشد.»

روزنامه جمهوری اسلامی: کسانی که نافرمانی مدنی می کنند محارب نیستند

عده‌ای نه تنها تمایلی به حل مشکلات مردم ندارند، بلکه با اعمال خشونت در پی ایجاد آشوب و ناامنی در جامعه و رسیدن به اهداف خویش هستند.

جمهوری اسلامی در یادداشتی به برخی اتهامات طرح شده علیه دست اندرکاران اعتراضات اخیرا انتقاد کرد.

عناوین مجرمانه‌ای که مسئولان درباره دستگیرشدگان بر زبان جاری می‌کنند، عناوین شناخته شده "محاربه"، "بغی و براندازی"، "اخلال در امنیت ملی" و مانند آنهاهستند. به‌رغم آن که در قانون اساسی جمهوری اسلامی از "حق اعتراض" در قالب اجتماعات سخن گفته شده،این موضوع تا کنون در حد حرف باقی مانده، نه تنها این حق شهروندی جدی گرفته نشده و راهکار مناسبی نیز برای استفاده از این حق در نظر گرفته نشده، بلکه با اعتراض‌های سیاسی و حتی صنفی هم مقابله شده و در موارد زیادی به خشونت انجامیده است. با افزایش هزینه اعتراض، مردم نیز غالبا یا عطای این حق شهروندی را به لقایش بخشیده‌اند و یا به مقاومت و نافرمانی رو آورده‌اند.

در سالهای اخیر پژوهشهای فراوانی در موضوعات مورد ابتلای جامعه مثل اعتراض مدنی، نافرمانی مدنی، و مانند آن‌ها انجام گرفته،ولی متأسفانه مراکز مسئول که باید از این پژوهش‌ها در جهت رفع مشکلات جامعه و ارائه راهکار برای مدیران و مسئولان استفاده کنند، بدانها وقعی ننهاده‌اند درحالی که مرتبا از لزوم ارتباط "آموزش و پژوهش" با "جامعه" و سوق دادن پژوهشها به سمت حل مسائل و معضلات اجتماعی سخن گفته می‌شود، ولی غالبا نتایج پژوهشها در بایگانی‌ها خاک می‌خورد.

اعتراض در دنیای مدرن قواعدی دارد که یکی از کلیدی‌ترین آنها پرهیز از خشونت و تخریب اموال عمومی و مانند آنهاست. موفقیت اعتراض مدنی و حتی نافرمانی مدنی در گرو پرهیز از افتادن در دام خشونتی است که دیگران می‌گسترند. عده‌ای نه تنها تمایلی به حل مشکلات مردم ندارند، بلکه با اعمال خشونت در پی ایجاد آشوب و ناامنی در جامعه و رسیدن به اهداف خویش هستند.

در این زمینه مسئولیت نخست متوجه مجلس قانونگذاری است. یکی از وظایف نهاد قانونگذار شناسایی آن دسته از مسائل مورد نیاز جامعه است که با خلا قانونی روبروست. اگر در قوانین "حق اعتراض مدنی" به رسمیت شناخته شود و چارچوب آن معین گردد، یا "نافرمانی مدنی" (عاری از خشونت) به عنوان یکی از عناوین مورد ابتلای جوامع امروزی، جرم انگاری شود، در چنین مواقعی مدیران و مسئولان تکلیف خود را در چگونگی برخورد با "معترضان" و "نافرمانان مدنی" دانسته، ملزم خواهند شد "حق اعتراض" را به رسمیت شناخته و امنیت معترضان را تامین نمایند و با "نافرمانان مدنی" نیز برخورد قانونی داشته باشند.

در مرحله دوم دستگاه قضایی و قضات ملزم خواهند بود، وفق قانون، غیر از عناوین مجرمانه "بغی"، "محاربه" و مانند آن، عناوین دیگری مثل "نافرمانی مدنی" را هم به رسمیت شناخته و بدانند که نوع برخورد با آن متفاوت بوده و مجازات متناسب با خود را دارد. با نافرمانان مدنی که اعتراضشان از مجاری قانونی به نتیجه نرسیده، و از روی ناچاری به اقدام فراقانونی رو می‌آورند، مانند "محارب" و "باغی" رفتار نکنند.

۱۱۰۰ برابر شدن قیمت زمین در ۳۰ سال

بررسی آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، در بازه سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰ قیمت زمین در تهران ۱۱۱۰ برابر شده و با ثبت این رکورد؛ در جایگاه اول قرار دارد.

اما نکته قابل‌تامل اینکه مقایسه قیمت زمین با سایر دارایی‌ها و بازارهای مالی نشان می‌دهد طی ۳۰ سال اخیر قیمت زمین درحالی در ۱۹ شهر منتخب (برخی از آنها کلانشهر هستند) به‌طور میانگین ۳۴۲ برابر و در شهر تهران بیش از ۱۱۱۰ برابر شده اما در همین مدت دلار در بازار آزاد ۱۷۹ برابر و سکه نیز ۸۰۸ برابر شده است./ فرهیختگان

سرانه مصرف گوشت قرمز ایرانی‌ها به زیر ٦ کیلو رسید

سرانه مصرف گوشت قرمز ایرانی‌ها از ۱۲ کیلوگرم در سال ۹۹ به ۶ کیلو گرم در امسال رسیده است.

براساس گزارش فائو در سال ۱۳۹۹، سرانه مصرف گوشت قرمز و سفید در جهان ۴۱ کیلوگرم است. بدین ترتیب در میان ۱۹۶ کشور جهان، رتبه ایران با ۱۲ کیلو در سال ۹۸ است.

رئیس اتحادیه تهیه و توزیع کنندگان گوشت گوسفندی تهران به نقل از اتاق اصناف اعلام کرد که در سال جاری سرانه مصرف گوشت قرمز در ایران برای هر ایرانی حدود ۶ کیلو گرم است. /فرهیختگان

علت اجرا نشدن قانون کار

داود اخوان، نماینده کارگران در هیئت‌های حل اختلاف ادارات کار شهر تهران می‌گوید: «ما به عنوان کارگر و بازنشسته اگر به گذشته برگردیم یا امکان اصلاح را داشته باشیم، بسیار با اصلاح قانون کار به‌نفع کارگران موافق هستیم.»

او ادامه داد: «شرایط برای اجرای قانون کار پس از حدود ۳۲سال از تصویب آن، هر روز بدتر می‌شود و هرروزه شاهد آن هستیم که اوضاع کارگاه‌های تولیدی و خدماتی کشور با شاخص‌های موجود در قانون کار روز به روز درحال بدتر شدن است. در سال گذشته براساس تعداد مراجعاتی که به ما در هیئت‌های حل اختلاف اداره کار در تهران داشتیم، می‌توانیم بگوییم که بالای ۷۵ درصد موارد بررسی‌شده کارگر اخراجی داشتیم. در هر اداره کاری در کشور، در شرایط خاص خود پنج هیئت داریم. در بخش هیئت‌های تشخیص با مراجعه و تعمیم آمارهای نمونه و خرد موجود به کل استان‌ها و ادارات کار کشور، این آمار را می‌توان تعمیم داد.»

آمار هولناک گازگرفتگی

سازمان پزشکی‌قانونی کشور اعلام کرده، در سال گذشته بیشترین آمار تلفات گازگرفتگی با ۱۷ نفر در دی‌ماه و پس از آن در بهمن‌ماه با ۱۶۱فوتی گزارش شده است. سازمان پزشکی‌قانونی گزارشی از وضعیت مرگ‌ومیر ناشی از گاز گرفتگی منتشر و در آن اعلام کرده است: «در سال گذشته (۱۴۰۰)، ۸۳۹ نفر به دلیل مسمومیت با گاز مونوکسید کربن در کشور جان خود را از دست دادند که از این تعداد ۶۳۱ نفر مرد و ۲۰۸ نفر زن بودند. از این تعداد ۷۸/۲تلفات در نیمه‌دوم سال ثبت شده است. به بیان دیگر ۶۵۶نفر از فوت‌شدگان مسمومیت با گاز سال گذشته، در نیمه‌دوم سال جان باخته‌اند. در مهرماه امسال ۳۱نفر بر اثر مسمومیت با گاز در کشور جان خود را از دست دادند، این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد تلفات ۴۰نفر بود، ۲۲/۵درصد کمتر شده است.»

گزارش ۲۱هزار «کودک‌آزاری»

سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفته، از ابتدای سال ۱۴۰۱ تاکنون ۲۱هزار و ۴۰۶مورد کودک‌آزاری از طریق خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی گزارش شده که این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته با افزایش چندانی روبه‌رو نبوده است. محمدرضا حیدرهایی ادامه داد: «اگر هم در آمار تماس‌های یک تا دو سال گذشته به‌نظر می‌رسد که موارد کودک‌آزاری افزایش یافته، این موضوع به دو علت وابسته است؛ در زمان شیوع بیماری کرونا برخی مردان مشاغل خود را از دست داده و زمان حضورشان در خانواده بیشتر شده و شاید این افزایش زمان حضور، اختلافات خانوادگی را بیشتر کرده است؛ از سوی دیگر نیز آگاهی مردم نسبت به خدمات ۱۲۳ افزایش یافته که این دو مورد می‌تواند در افزایش تماس‌ها موثر باشد.»

پرمصرف‌های بی‌نسخه بیمه نیستند

معاون بیمه و خدمات سلامت سازمان بیمه سلامت از منتفی شدن پوشش بیمه‌ای داروهای پرمصرف بی‌نسخه خبر داد. مهدی رضایی درباره داروهای OTC یا بدون نسخه به ایسنا گفت: «قرار بود این داروها مابه‌التفاوت ارزی نداشته باشند، بر این اساس ارزی هم به آنها اختصاص نیافت. در شروع طرح مقرر شده بود این دسته داروها تحت پوشش بیمه‌ها قرار گیرند که این موضوع در شورای‌عالی بیمه طرح شد که منجر به بازنگری شد و از این موضوع صرف‌نظر شد.» این خبر در حالی اعلام می‌شود که از ابتدای اجرای طرح دارویار، مسئولان وزارت بهداشت به طور مکرر اعلام می‌کردند ۱۱۹قلم داروی پرمصرف بدون نسخه، به شرط ارائه نسخه پزشک، تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد. این مسئول در سازمان بیمه سلامت، در ادامه، طرح دارویار را مورد توجه قرار داد و گفت: «در شروع طرح دارویار حدود ۱۳۷۵کد ژنریک دارویی شامل آزادسازی ارز ترجیحی قرار گرفتند. از این تعداد مقرر شد ۳۶۶کد ژنریک که تحت پوشش بیمه نبودند، تحت پوشش در آیند. در گام اول ۲۷قلم دارو توسط شورای‌عالی بیمه در دستور کار قرار گرفت و مصوب شد. این مصوبه باید ابتدا به سازمان برنامه و بودجه فرستاده می‌شد و درنهایت در هیئت‌وزیران هم به تصویب می‌رسید که مصوبه نهایی هنوز به ما ابلاغ نشده است و در مرحله نهایی شدن است.